



نوشتاری از: د

سق ۲

اولین روزنامه حقوقی کشور

آفتاب حقوقی

صفحه ۴

سه‌شنبه ۳۰ تیرماه ۱۴۰۵ ● سال اول ● شماره ۱۱

جان قانون

مسعود امیرزاده

از زمان جنبش مشروطه در ایران، یکی از بنیادی‌ترین مطالبات جامعه، استقرار «حکومت قانون» بوده است؛ ایده‌ای که همچنان در بسیاری از بحث‌های مربوط به اصلاح اجتماعی و سیاسی، به عنوان یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های خروج از نابسامانی و دستیابی به توسعه مطرح می‌شود. اما هنگامی که از حکومت قانون سخن می‌گوییم، باید میان دو ساحت متفاوت تمایز قائل شویم: ساحت شکلی قانون و ساحت محتوایی آن. در ساحت شکلی، قانون حاصل یک فرآیند رسمی و نهادی است؛ یعنی نمایندگانی که از سوی جامعه انتخاب شده‌اند یا مجلسی که بر اساس سازوکارهای پذیرفته‌شده تشکیل شده، قواعدی را تصویب می‌کند که از نظر حقوقی اعتبار لازم را دارند. تدوین قانون اساسی، تشکیل مجالس قانون‌گذاری و طی شدن فرآیندهای رسمی تصویب، همگی به این جنبه از قانون مربوط می‌شوند.

اما پرسش بنیادین‌تر این است که آیا صرفاً وجود فرآیند قانونی، به معنای تحقق عدالت و رهایی است؟ آیا هر قانونی که از مسیرهای رسمی تصویب شده باشد، الزاماً واجد ارزش انسانی و اجتماعی است؟ به بیان دیگر، «جان قانون» چیست و چه ویژگی‌هایی یک قانون را از یک دستور صرفاً رسمی متمایز می‌کند؟

تجربه تاریخی نشان داده است که میان قانون به عنوان یک قالب حقوقی و قانون به عنوان ابزاری برای تحقق ارزش‌های انسانی فاصله‌ای مهم وجود دارد. ممکن است نظامی از قوانین، از نظر شکلی معتبر باشد، اما از منظر عدالت، آزادی، کرامت انسانی و منافع عمومی مورد پرسش قرار گیرد. بنابراین، مسئله صرفاً داشتن قانون نیست، بلکه داشتن قانونی است که بتواند حامل ارزش‌هایی باشد که جامعه برای آن قانون‌گذاری کرده است. از همین منظر، گزاره مشهور «قانون بد بهتر از بی‌قانونی است» نیز نیازمند تأمل است. اگر قانون صرفاً به عنوان مجموعه‌ای از قواعد الزام‌آور فهم شود، شاید این گزاره قابل دفاع باشد؛ اما اگر قانون را ابزاری برای سامان دادن زندگی جمعی، تحقق عدالت و حفاظت از حقوق بنیادین بدانیم، آنگاه باید پرسید آیا هر قانونی، صرفاً به دلیل قانونی بودن، بر بی‌قانونی برتری دارد؟

این پرسش‌ها ما را به یکی از بنیادی‌ترین مسائل فلسفه حقوق هدایت می‌کنند: رابطه میان اعتبار حقوقی قانون و مشروعیت اخلاقی و اجتماعی آن. شاید یکی از چالش‌های اصلی جوامع مدرن نیز همین باشد که چگونه می‌توان میان نظم حقوقی، عدالت و ارزش‌های بنیادین انسانی پیوند برقرار کرد. در ادامه بحث حکومت قانون، نکته‌ای اساسی وجود دارد که به جایگاه قانونگذار و حدود اختیار آن بازمی‌گردد. اگرچه در نظام‌های حقوقی مدرن، نهادهای قانونگذاری از مشروعیت رسمی برای وضع قواعد برخوردارند، اما این اختیار نمی‌تواند مطلق و بی‌قید تلقی شود. قانونگذار خود نیز در چارچوب اصولی بنیادین قرار دارد که برآمده از حقوق عمومی، ارزش‌های اساسی جامعه و ضرورت حفظ منافع مشترک است.

به بیان دیگر، نهاد قانونگذاری صرفاً یک مرجع تولید قواعد نیست، بلکه باید در جایگاه داور بی‌طرف میان منافع مختلف اجتماعی عمل کند. همان‌گونه که یک داور نمی‌تواند جانبدارانه به نفع یکی از طرفین تصمیم بگیرد، قانونگذار نیز نمی‌تواند صرفاً بازتاب‌دهنده منافع یک گروه خاص، منافع کوتاه‌مدت سیاسی یا الزامات حفظ قدرت و ساختارهای موجود باشد. بنابراین، مسئله اصلی تنها این نیست که قانون چگونه تصویب می‌شود، بلکه این است که قانون در خدمت چه چیزی قرار می‌گیرد. آیا هدف آن تأمین حقوق عمومی و منافع مشترک جامعه است یا صرفاً تثبیت یک اراده

خاص در قالب یک قاعده رسمی؟

در اینجا مفهوم «حقوق عمومی» اهمیت اساسی پیدا می‌کند. حقوق عمومی را نمی‌توان صرفاً مجموع منافع افراد یا حتی منافع اکثریت در یک مقطع زمانی دانست؛ بلکه باید آن را مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌هایی دانست که امکان زیست مشترک، عدالت، حفظ کرامت انسان و استمرار منافع جامعه را در طول زمان تضمین می‌کنند.

از این منظر، حتی دولت و نهاد قانونگذار نیز خود موضوع قانون هستند و نمی‌توانند بیرون از چارچوب‌هایی که برای حفظ نظم عمومی، عدالت و حقوق بنیادین شکل گرفته‌اند، عمل کنند. حکومت قانون زمانی تحقق پیدا می‌کند که قانون نه صرفاً ابزار اعمال اراده قدرت، بلکه سازوکاری برای محدود کردن قدرت و تضمین حقوق عمومی باشد.

در این میان، مسائل محیط زیستی جایگاهی ویژه در اندیشه حقوقی پیدا می‌کنند؛ زیرا با بنیادی‌ترین پرسش‌های مربوط به حق حیات، تداوم سرزمین و ظرفیت تاب‌آوری جوامع در طول زمان ارتباط دارند. محیط زیست صرفاً یکی از موضوعات قابل قانونگذاری نیست، بلکه بستری است که امکان تحقق بسیاری از حقوق دیگر در آن معنا پیدا می‌کند.

یکی از مهم‌ترین ابعاد این مسئله، مفهوم میراث است. هر نسل، سرزمینی را با مجموعه‌ای از منابع طبیعی، زیستی و فرهنگی از نسل‌های گذشته دریافت می‌کند. اما این دریافت، به معنای مالکیت مطلق و حق هرگونه تصرف نیست؛ بلکه نوعی امانت‌داری تاریخی است. نسلی که میراث طبیعی را دریافت می‌کند، مسئول است آن را به شکلی قابل زیست و پایدار به نسل‌های بعد منتقل کند.

از این منظر، حقوق بین‌نسلی اهمیت بنیادین می‌یابد. نسل‌های آینده اگرچه در فرآیندهای تصمیم‌گیری امروز حضور ندارند، اما منافع و حقوق آنان نمی‌تواند نادیده گرفته شود. یکی از چالش‌های اساسی قانونگذاری محیط زیستی همین است که چگونه می‌توان حقوق کسانی را که هنوز وجود ندارند، در تصمیم‌های امروز نمایندگی و لحاظ کرد.

در چنین چارچوبی، حقوق عمومی نیز نیازمند بازتعریف است. حقوق عمومی صرفاً به معنای مجموع منافع افراد حاضر یا خواست اکثریت در یک مقطع زمانی نیست، بلکه مفهومی گسترده‌تر است که منافع پایدار جامعه، عدالت میان نسل‌ها و حفظ شرایط بنیادین زندگی جمعی را دربرمی‌گیرد. بنابراین، حقوق دولت و اختیارات نهادهای عمومی نیز باید در نسبت با حقوق عمومی تعریف شود، نه در جایگاهی برتر از آن.

همان‌گونه که حقوق دولت نمی‌تواند بر حقوق عمومی غلبه کند، حقوق عمومی یک نسل نیز نمی‌تواند به بهای از میان بردن حقوق نسل‌های آینده تحقق یابد. در اینجا نوعی فروتنی حقوقی و محدودیت اراده نسل حاضر ضروری است؛ زیرا هیچ نسلی مالک مطلق آینده نیست.

در کنار این موضوع، نباید حقوق بنیادین انسان‌ها نیز نادیده گرفته شود. انسان‌ها صرف‌نظر از موقعیت اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی خود، دارای حقوقی بنیادین هستند که ریشه در مفهوم کرامت انسانی دارد. دولت‌ها می‌توانند در چارچوب قرارداد اجتماعی و برای حفظ نظم عمومی، حدودی بر اعمال برخی حقوق اعمال کنند، اما نمی‌توانند به بهانه منافع جمعی یا مصلحت عمومی، حقوق بنیادین افراد را به طور کامل نفی کنند.

از این منظر، قانونگذاری مطلوب در حوزه محیط زیست نیازمند ایجاد تعادلی میان چند حوزه است: حقوق فردی انسان‌ها، حقوق عمومی جامعه، حقوق نسل‌های آینده و ضرورت حفظ سامانه‌های طبیعی که بستر زندگی همه این حقوق هستند. قانون زمانی می‌تواند نقش راه‌یابی‌بخش خود را ایفا کند که نه صرفاً بیانگر اراده قدرت، بلکه بازتاب‌دهنده این تعادل پیچیده باشد.

مهر و موم ترکه



مدیر مسئول: دکتر منصور مظفری*
وکیل پایه یک دادگستری

پس از فوت شخص، اموالی که از وی به جای می‌ماند را ترکه گویند اموال می‌تواند از جمله دارایی مثبت یا منفی متوفی باشد. مهر و موم ترکه با درخواست اشخاص و گاهی نیز بدون درخواست اشخاص صورت می‌گیرد.

چه اشخاصی می‌توانند درخواست مهر و موم ترکه بدهند؟

هریک از ورثه متوفی یا نماینده قانونی آنها و وصی و موصی له (در صورتی که وصیت به جزء مشاع شده باشد) یا طلبکار متوفی به میزان طلب خود در صورتی که طلب وی مستند به سند رسمی یا حتی رأی دادگاه باشد. می‌توانند درخواست مهر و موم ترکه را بدهند.

در چه مواردی بدون درخواست مهر و موم ترکه اتفاق می‌افتد؟

در برخی مواقع برای مهر و موم ترکه اطلاع دادگاه کافی است ۱- درخصوص کسی است که در هتل و امثال آن و یا منزل استیجاری فوت کرده باشد چون کسی برای حفظ اموال وی وجود ندارد صاحبخانه یا مدیر هتل و ... مکلف هستند مراتب را به دادگاه اطلاع دهند و ۲- اینکه اموال دولتی یا عمومی نزد متوفی به امانت باشد.

درخصوص ورثه محجور یا غایب

چنانچه بعد از مهر و موم ترکه مشخص گردد که از وراثت شخص محجور و غایبی وجود دارد باید پس از مهر و موم ترکه به دادستان حوزه قضائی آخرین محل اقامت متوفی اطلاع داده شود تا به تقاضای نصب قیم یا امین حسب مورد از دادگاه اقدام نماید و صورتمجلس شامل کلیه دارائی‌های متوفی اعم از منقول و غیرمنقول تنظیم شود و پس از مهر و امضاء مجری قرار مهر و موم ترکه به امضای اشخاص ذینفع برسد و در صورت استنکاف یا عدم قدرت در صورتمجلس یاد شده قید می‌شود.

کدام اموال مهر و موم نمی‌شود؟

برخی اموال هستند که مهر و موم نمی‌شوند
۱-مقداری از اثاث منزل که برای زندگی همسر یا اولاد متوفی ضروری است.
۲-هزینه‌های کفن و دفن متوفی بارعایت شأن متوفی.
۳-اموالی که برای شخص متوفی نمی‌باشد.
۴-اموال ضایع شدنی و یا اموالی که نگهداری آنها هزینه نامتعارف دارد.

ایمیل: Aftab.yz@gmail.com تلفن: ۰۹۱۲۲۹۹۱۷۹۶

مشاوره حقوقی

کیفری | حقوقی | ثبتی | مواد مخدر | خانواده

آفتاب حقوقی

مدیر مسئول:
منصور مظفری
وکیل پایه یک دادگستری

وکلاي پایه یک دادگستری

در سراسر کشور

پزد تهران

۰۹۱۳ ۱۵۱ ۵۲۱۰ ۰۹۱۲ ۲۹۹ ۱۷۹۶

سیر تحول قانون مجازات عمومی ایران

پیمان حاج محمود عطار
دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی،
وکیل پایه یک دادگستری

از تصویب در سال ۱۳۰۴ تا جایگزینی قانون مجازات اسلامی مقدمه قانون مجازات عمومی ایران یکی از مهم‌ترین قوانین کیفری تاریخ معاصر کشور است که بیش از نیم قرن، چارچوب اصلی حقوق کیفری ایران را تشکیل می‌داد. این قانون از زمان تصویب در سال ۱۳۰۴ تا اصلاحات گسترده سال ۱۳۵۲ و سپس جایگزینی تدریجی آن با قوانین مجازات اسلامی، تحولات متعددی را پشت سر گذاشت. بررسی این روند نشان می‌دهد که نظام کیفری ایران، طی نزدیک به یک قرن، از نظامی مبتنی بر قانون مجازات عمومی به نظامی متشکل از قوانین متعدد مجازات اسلامی و مقررات کیفری خاص تحول یافته است. ۱. تصویب قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴ قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴ و در دو مرحله تصویب شد.

قسمت نخست قانون، شامل مواد ۱ تا ۱۶۹، در ۲۳ دی ۱۳۰۴ و قسمت دوم، شامل مواد ۱۷۰ تا ۲۸۰، در ۷ بهمن همان سال تصویب شد. این قانون در واقع یکی از نخستین تلاش‌های مهم برای ایجاد یک نظام منسجم و مدون کیفری در ایران بود. پیش از آن، مقررات کیفری از منابع مختلف و گاه پراکنده تشکیل می‌شد و ضرورت تدوین مجموعه‌ای منظم از جرایم و مجازات‌ها بیش از پیش احساس می‌شد. قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، علاوه بر تعریف جرایم و تعیین مجازات‌ها، قواعد عمومی مهمی را درباره مسئولیت کیفری، مجازات، تعدد جرم، تکرار جرم و آثار محکومیت کیفری در بر داشت.

۲. اصلاحات و الحاقات پس از تصویب قانون مجازات عمومی پس از تصویب، قانونی ثابت و بدون تغییر باقی نماند. در سال‌های بعد، مواد مختلف آن به‌وسیله قوانین متعدد اصلاح، حذف یا تکمیل شد. از جمله، برخی مقررات قانون در سال ۱۳۱۰ اصلاح شد و در سال‌های بعد نیز مواد جدیدی به آن

افزوده یا برخی مواد سابق نسخ گردید. بنابراین، در بررسی یک پرونده قدیمی، صرف اشاره به «قانون مجازات عمومی» کافی نیست؛ بلکه باید تاریخ وقوع جرم و متن قانون لازم‌الاجرا در همان زمان مشخص شود. این نکته از نظر حقوق کیفری اهمیت اساسی دارد؛ زیرا ممکن است ماده‌ای در سال وقوع جرم دارای یک متن بوده و در سال‌های بعد اصلاح یا نسخ شده باشد.

۳. اصلاح اساسی قانون در سال ۱۳۵۲ مهم‌ترین تحول در دوره حیات قانون مجازات عمومی، اصلاح گسترده آن در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۲ بود. اصلاحات سال ۱۳۵۲ را نمی‌توان صرفاً یک اصلاح جزئی دانست. این اصلاحات بخش مهمی از ساختار عمومی حقوق کیفری را دگرگون کرد و مقررات مربوط به جرایم، مجازات‌ها و نهادهای کیفری را تغییر داد. مذاکرات تقنینی این اصلاحات نیز در سال ۱۳۵۱ آغاز و در سال ۱۳۵۲ به تصویب نهایی رسید. از این رو، در ادبیات حقوقی، میان «قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴» و «قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲» باید تفکیک قائل شد. در بسیاری از پرونده‌های قدیمی، تعیین قانون حاکم مستلزم پاسخ به این پرسش است که جرم چه زمانی واقع شده و ماده مورد استناد در آن زمان چه متنی داشته است.

۴. انقلاب ۱۳۵۷ و آغاز گذار به نظام قوانین مجازات اسلامی پس از انقلاب اسلامی، تحول بنیادینی در نظام کیفری ایران آغاز شد. قانون مجازات عمومی به‌صورت یکباره از نظام حقوقی حذف نشد، بلکه مقررات جدید به‌تدریج جایگزین بخش‌های مختلف آن شدند. نخستین مرحله مهم این تحول، تصویب مجموعه قوانین مجازات اسلامی در سال ۱۳۶۱ بود. قانون راجع به مجازات اسلامی در ۲۱ مهر ۱۳۶۱ تصویب شد و مقررات جدیدی را در زمینه کلیات مجازات و مسئولیت کیفری ایجاد کرد. در همین دوره، مقررات مربوط به حدود، قصاص، دیات و تعزیرات نیز در قالب قوانین جداگانه تصویب شد.

۵. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مرحله مهم بعدی، تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۰ بود. این قانون در واقع بخش قابل توجهی از مقررات عمومی حقوق کیفری را در ساختاری جدید تنظیم کرد. پس از تصویب این قانون،

بسیاری از مقررات پیشین قانون مجازات عمومی کنار گذاشته شد. با این حال، مقررات مربوط به تعزیرات همچنان نیازمند قانون‌گذاری مستقل بود.

۶. تصویب کتاب پنجم تعزیرات در سال ۱۳۷۵ در سال ۱۳۷۵، کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی با عنوان تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده تصویب شد. این قانون اهمیت ویژه‌ای داشت؛ زیرا بسیاری از جرایمی که پیش‌تر در قانون مجازات عمومی پیش‌بینی شده بودند، در ساختار جدید کیفری جایگزین یا با عناوین و مجازات‌های جدید تنظیم شدند. به همین دلیل، پس از تصویب کتاب پنجم تعزیرات، بخش مهمی از مقررات کیفری قانون مجازات عمومی عملاً کنار رفت.

۷. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مرحله مهم دیگر، تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ بود. این قانون، کلیات، حدود، قصاص و دیات را در ساختاری جدید تنظیم کرد و بسیاری از مقررات پیشین را نسخ نمود. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در تاریخ ۱ اردیبهشت ۱۳۹۲ تصویب شد. با این حال، کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، یعنی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵، همچنان جایگاه خاص خود را حفظ کرد.

نتیجه‌گیری سیر تحول حقوق کیفری ایران را می‌توان در چند مرحله اصلی خلاصه کرد: ۱۳۰۴: تصویب قانون مجازات عمومی در دو بخش؛ ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۲: اصلاحات و الحاقات متعدد؛ ۱۳۵۲: اصلاح گسترده و اساسی قانون مجازات عمومی؛ پس از ۱۳۵۷: آغاز جایگزینی تدریجی مقررات کیفری جدید؛ ۱۳۶۱: تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی؛ ۱۳۷۰: تصویب قانون مجازات اسلامی؛ ۱۳۷۵: تصویب کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده؛ ۱۳۹۲: تصویب قانون مجازات اسلامی جدید و نسخ بخش قابل توجهی از مقررات پیشین. بنابراین، قانون مجازات عمومی را نباید یک قانون واحد و ثابت در تمام دوره تاریخی خود دانست. این قانون از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۲ بارها اصلاح شد و پس از انقلاب نیز به‌تدریج جای خود را به قوانین جدید کیفری داد. از نظر عملی، مهم‌ترین قاعده برای مطالعه پرونده‌های قدیمی این است که قانون قابل اعمال باید بر اساس تاریخ وقوع جرم و متن قانون لازم‌الاجرا در همان زمان تعیین شود. صرف ذکر عنوان «قانون مجازات عمومی» بدون توجه به تاریخ وقوع جرم و اصلاحات بعدی، ممکن است به تشخیص نادرست قانون حاکم منجر شود.

توسعه صنعتی و الزامات حقوق محیط زیست

محمد رادپور – وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی صنعت و تجارت

پایدار و قابل پیش‌بینی باشند. سرمایه‌گذار باید اطمینان داشته باشد که با رعایت ضوابط قانونی، از حمایت قانون برخوردار خواهد بود و با بخشنامه‌های ناگهانی یا رویه‌های متناقض مواجه نخواهد شد. هماهنگی واقعی بین وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان حفاظت محیط زیست یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. اختلاف رویه بین دستگاه‌ها نه تنها به محیط زیست کمک نمی‌کند، بلکه ریسک سرمایه‌گذاری را بالا می‌برد و انگیزه تولید را کاهش می‌دهد. در نهایت آنکه حمایت از صنعت و حفاظت از محیط زیست دو هدف متعارض نیستند؛ بلکه دو رکن اصلی توسعه پایدار به شمار می‌روند. تفسیر قوانین باید به گونه‌ای باشد که ضمن صیانت جدی از منابع طبیعی، از تعطیلی‌های غیرضروری، بیکاری و فرار سرمایه جلوگیری کند. حقوق محیط زیست زمانی واقعا موفق خواهد بود که بر پیشگیری، آموزش، اصلاح فرآیندها، توسعه فناوری‌های پاک و اعمال ضمانت اجرای متناسب تمرکز کند. و در سخن آخر، تعامل سازنده میان صنعت، حاکمیت و فعالان محیط زیست، تنها راه تأمین منافع نسل حاضر و پاسداشت حقوق نسل‌های آینده است.

یکی از اصول مهم حقوق عمومی، اصل تناسب است. در حوزه محیط زیست هم باید واکنش دستگاه‌های نظارتی متناسب با شدت و نوع آلودگی باشد. اخطار، مهلت برای رفع مشکل، الزام به نصب تجهیزات کنترل آلودگی و جریمه، در اکثر موارد راهکارهای مؤثرتری نسبت به تعطیلی فوری هستند. تعطیلی یک واحد صنعتی، فقط سرمایه‌گذار را متضرر نمی‌کند؛ کارگران، زنجیره تأمین، مصرف‌کنندگان و اقتصاد محلی را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل باید تعطیلی را به عنوان آخرین گزینه و صرفاً در موارد آلودگی شدید و غیرقابل جبران به کار برد.

هدف حقوق محیط زیست نباید فقط مبتنی بر تنبیه باشد. تجربه کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که اعطای تسهیلات برای نوسازی تجهیزات، معافیت‌های مالیاتی برای صنایع سبز، و حمایت از فناوری‌های پاک، راهکارهای موفق‌تری برای کاهش آلودگی بوده‌اند. در ایران هم باید به سمت رویکرد پیشگیرانه حرکت نمود؛ چرا که هزینه پیشگیری همیشه کمتر از هزینه پاکسازی و جبران خسارت‌های بعدی است.

سرمایه‌گذاری در شرایطی رونق می‌گیرد که مقررات شفاف،

امروزه هیچ‌کس تردید ندارد که بدون توسعه صنعتی، دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و ایجاد اشتغال مولد ممکن نیست. تجربه کشورهای موفق نیز همین را نشان می‌دهد. اما همزمان، بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی و آلودگی‌های صنعتی، هزینه‌های سنگینی بر سلامت مردم و آینده کشور تحمیل می‌کند. حقوق محیط زیست نباید به ابزاری برای توقف یا محدود کردن غیرمنطقی تولید تبدیل شود، همان‌طور که توسعه صنعتی هم نمی‌تواند مجوز تخریب محیط زیست باشد. رسالت قانون، ایجاد تعادل هوشمندانه بین این دو است.

اصل پنجاهم قانون اساسی، حفاظت از محیط زیست را «وظیفه عمومی» دانسته و فعالیت‌های اقتصادی که منجر به آلودگی یا تخریب غیرقابل جبران شود را ممنوع کرده است. اما این اصل به هیچ‌وجه به معنای مخالفت با توسعه صنعتی نیست؛ بلکه توسعه‌ای را مطلوب می‌داند که با حفظ محیط زیست همخوانی داشته باشد. اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی نیز بر لزوم رشد تولید، تقویت بنیه اقتصادی و حمایت از فعالیت‌های مشروع تأکید دارند. بنابراین، نباید مقررات زیست‌محیطی را به شکلی تفسیر کرد که امنیت سرمایه‌گذاری را از بین ببرد یا تولید را فلج کند. قوانین عادی مانند قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، قانون هوای پاک و قانون مدیریت پسماندها نیز بیشتر بر پیشگیری و اصلاح فرآیندهای تولیدی تمرکز دارند تا تعطیلی صنایع.

آفتاب حقوقی

مدیرمسئول: منصور مظفری (وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی)

همراه با حقوقدانان (وکلا، کارشناسان رسمی، اساتید و کارآموزان وکالت) در آفتاب حقوقی

مشاوره‌های حقوقی در سراسر کشور

(کیفری - حقوقی)



املاک - خانواده - ثبت - جرائم مطبوعاتی - امور گمرکی - موادمخدر - بورس و اوراق بهادار - رمز ارز - کلاهبرداری - امور مالیاتی - تصادفات - ضرب و جرح - تهدید - قتل - جعل - نشر اکاذیب - جرائم پزشکی - جرائم اقتصادی - جرائم رایانه‌ای - ورود به عتق - تصرف عدوانی - مزاحمت - ممانعت از حق - مشارکت در ساخت - جرائم سازمان یافته - آدم ربایی - سرقت - جعل عنوان - چک - توقیف غیرقانونی - دیه - تحصیل مال از طریق نامشروع - تعزیرات - کمیسیون ماده ۱۰۰ - منابع طبیعی - محیط زیست - خیانت در امانت - قراردادهای و ...

آفتاب حقوقی از وکلا، کارشناسان رسمی، کارآموزان وکالت، اساتید و دانشجویان حقوق در سراسر کشور جهت ارائه محتوای حقوقی، نقد آرای قضایی و مشاوره حقوقی دعوت به همکاری می‌نماید

جهت ارتباط و ارائه مشاوره حقوقی و رسانه‌ای از طریق زیر با ما در تماس باشید

تلفن: ۰۹۱۲۲۹۹۱۷۹۶ و ۰۲۱ - ۸۸۳۲۲۱۶۰ - ۱، بله، روبیکا، واتساپ و تلگرام: ۰۹۱۲۲۹۹۱۷۹۶

Aftab.yz@gmail.com Mozafari.lawyer1970@gmail.com

تهران، خیابان شهید مطهری، ابتدای قائم مقام فراهانی، کوچه ۲۶، پلاک ۱۰، طبقه اول، واحد ۱

دفتر یزد: بلوار ۲۲ بهمن - ابتدای کوچه اعظم (نماینده: ابوالفضل انتشاری) ۰۹۱۳۱۵۱۵۲۱۰

دکتر محمد حسین جعفری در نشست حقوقی با مدیران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان یزد تاکید کرد

حمایت از حقوق کودک

کارگاه‌های آموزشی و نشست‌های تخصصی، تدوین و انتشار بسته‌های آموزشی و محتوای حقوقی ویژه کودکان، نوجوانان، والدین و مربیان، اجرای طرح‌های پژوهشی مشترک، استفاده از ظرفیت مجله علمی - تخصصی «کلام وکیل» برای انتشار مقالات و دستاوردهای علمی حوزه حقوق کودک و نیز برگزاری همایش‌ها و رویدادهای مشترک فرهنگی و حقوقی بود. در پایان، با تأکید بر اهمیت هم‌افزایی میان نهادهای حقوقی و فرهنگی در صیانت از حقوق کودکان و نوجوانان، مقرر شد با استمرار جلسات کارشناسی و تدوین سازوکارهای اجرایی، زمینه انعقاد تفاهم‌نامه همکاری میان کانون وکلای دادگستری یزد و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان یزد فراهم شود تا از ظرفیت‌های مشترک دو مجموعه در راستای ارتقای فرهنگ حقوقی و حمایت مؤثرتر از حقوق کودکان و نوجوانان بهره‌برداری شود.

در این نشست، بر ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی، حقوقی و فرهنگی دو نهاد در راستای ارتقای آگاهی‌های حقوقی کودکان و نوجوانان، ترویج فرهنگ قانون‌مداری، آموزش حقوق شهروندی متناسب با گروه‌های سنی مختلف و تقویت رویکردهای پیشگیرانه در حوزه آسیب‌های اجتماعی تأکید شد. همچنین، راهکارهای توسعه همکاری در زمینه ارائه خدمات وکالت تسخیری و معاضدتی به کودکان در پرونده‌های مرتبط، تقویت فعالیت‌های کلینیک حقوق کودک، استفاده از ظرفیت وکلای داوطلب در حمایت حقوقی از کودکان و نوجوانان، ارائه مشاوره‌های حقوقی به خانواده‌ها، بهره‌گیری از ظرفیت میانجی‌گری در پرونده‌های مرتبط با اطفال و نوجوانان و حمایت از کودکان در معرض آسیب مورد بررسی قرار گرفت. از دیگر محورهای این نشست، طراحی و اجرای برنامه‌های آموزش حقوق کودک در مدارس و مراکز فرهنگی، برگزاری

نشست مشترک کانون وکلای دادگستری یزد با رئیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان یزد و معاونان این کانون، با هدف بررسی راهکارهای توسعه همکاری‌های مشترک در حوزه حمایت از حقوق کودک و نوجوان، ارتقای فرهنگ حقوقی و اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و پژوهشی برگزار شد.

در این نشست، دکتر محمدحسین جعفری رئیس کانون وکلای دادگستری یزد، آقای مهدی رستم‌آبادی بازرس کانون، خانم فهیمه نقیب مسئول کلینیک حقوق کودک، آقای ابوالفضل عباسی مسئول کمیسیون پژوهش و سردبیر مجله علمی - تخصصی «کلام وکیل» و خانم فاطمه نصیری معاون امور کمیسیون‌های کانون وکلا، با رئیس و معاونان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان یزد درباره ظرفیت‌های مشترک دو نهاد به بحث و تبادل نظر پرداختند.

تاکید کانون وکلای دادگستری یزد در اخذ وکالت ایرانیان مقیم خارج از کشور

اول احراز هویت بعد اخذ وکالت

نقل و انتقال سهام، مدیریت حساب‌های بانکی و سایر فعالیت‌های دارای ریسک، دقت و مراقبت مضاعف معمول گردد. از پذیرش یا انجام امور حقوقی که منشأ وجوه، هویت اشخاص یا هدف از معامله در آن واجد ابهام یا ظن سوءاستفاده باشد، بدون انجام بررسی‌های لازم خودداری شود. مستندات مربوط به احراز هویت و مدارک پرونده مطابق قوانین و مقررات نگهداری و در صورت مواجهه با موارد مشکوک، اقدامات قانونی لازم در چارچوب مقررات انجام شود. از کلیه وکلای محترم و کارآموزان گرمای انتظار می‌رود ضمن رعایت دقیق مقررات و توجه ویژه به موضوع صدور وکالت‌نامه برای ایرانیان مقیم خارج از کشور، در پیشگیری از هرگونه سوءاستفاده احتمالی از خدمات حقوقی و حفظ سلامت نظام حقوقی کشور اهتمام لازم را معمول دارند.

و پذیرش وکالت‌نامه‌ها، نهایت دقت و حساسیت را در احراز هویت موکل معمول دارند. در این راستا تأکید می‌شود: احراز هویت موکل، نماینده قانونی و در صورت لزوم ذی‌نفع واقعی، مطابق قوانین و مقررات، پیش از ارائه هرگونه خدمت حقوقی الزامی است. در مواردی که موکل از ایرانیان مقیم خارج از کشور است، صرف استفاده از سیم‌کارت یا ابزارهای ارتباطی منتسب به وی، جایگزین احراز هویت قانونی نبوده و لازم است هویت و اراده واقعی موکل با رعایت ضوابط قانونی و مقررات مربوط احراز شود. در ارائه خدمات حقوقی مرتبط با خرید و فروش املاک، مدیریت وجوه و دارایی‌ها، تأسیس یا اداره اشخاص حقوقی و شرکت‌ها،

آفتاب حقوقی - کانون وکلای دادگستری استان یزد با صدور اطلاعیه به رعایت الزامات قانونی در صدور وکالت‌نامه برای ایرانیان مقیم خارج از کشور و اجرای مقررات مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم توسط اعضای کانون تأکید کرد در اجرای تکالیف مقرر در قانون مبارزه با پولشویی، قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم و آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط، به اطلاع کلیه وکلای محترم دادگستری و کارآموزان وکالت می‌رساند: با توجه به گزارش‌های واصله مبنی بر بروز پدیده صدور وکالت‌نامه برای برخی اشخاص ایرانی مقیم خارج از کشور با استفاده از سیم‌کارت متعلق به آنان در داخل کشور و احتمال سوءاستفاده از این شیوه در انجام معاملات و فعالیت‌های مالی، ضروری است اعضای محترم کانون در ارائه خدمات حقوقی، به ویژه در تنظیم

بازسازی اقتصاد ملی از طریق «تعاونی‌های سرمایه‌گذاری استانی»

علی جوان‌بخت (حقوقدان)

۳. استراتژی توسعه (کجا سرمایه‌گذاری کنیم؟)
درون استانی: شناسایی نیازهای واقعی استان (مثلاً تجاری در کشورهای همسایه برای صادرات محصولات استانی و جذب ارز.

نقشه راه اجرایی (چگونه و چه کار کنیم؟)
مرحله شناسایی: تشکیل کمیته‌های شناسایی در هر استان برای یافتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری واقعی.
ثبت قانونی: ثبت شرکت تعاونی استانی تحت نظارت اداره تعاون و سازمان‌های صنفی.
جذب سرمایه: فراخوان عمومی برای خرید سهم در مقیاس‌های کوچک (برای جذب حداکثری مردم).
مدیریت تخصصی: انتصاب مدیرعاملانی که تخصص صنعتی - تجاری دارند، اما نظارت بر آن‌ها توسط «هیئت مدیره منتخب سهامداران» باشد.
سرمایه‌گذاری هدفمند: تبدیل سرمایه‌ها به واحدهای تولیدی که منجر به اشتغال‌زایی در همان استان شود.

باعث جذب اقشار مختلف (از سرمایه‌داران تا اقشار آسیب‌پذیر) می‌شود.
- هدف: جذب سرمایه‌های خرد (Small-scale Capital) و تبدیل آن‌ها به پروژه‌های صنعتی، کشاورزی یا تجاری در هر استان.

۲. مکانیسم جذب سرمایه و حمایت اجتماعی (مدل حمایتی)

برای اینکه هیچ‌کس از این قطار توسعه جا نماند، مدل «سرمایه‌گذاری جایگزین» پیشنهاد می‌شود:
- سرمایه‌گذاری برای نیازمندان: در هر استان، افرادی که توان مالی برای خرید سهم را ندارند، شناسایی شوند. نهادهای حمایتی (مانند کمیته امداد یا خیرین) هزینه خرید سهم این افراد را پرداخت کنند.
- نتیجه: فرد نیازمند، اکنون یک «سهام‌دار» در شرکت تعاونی استان خود است. او نه تنها کمک ماهیانه می‌گیرد، بلکه از «سود سالانه» شرکت بهره‌مند شده و به تدریج از وضعیت «نیازمند» به وضعیت «سرمایه‌دار» تبدیل می‌شود.

تحلیل پیوند اقتصاد و امنیت

در وضعیت فعلی، تزلزل در شاخص‌های اقتصادی منجر به «ناامنی اقتصادی» شده است. وقتی حق مالکیت و ارزش دارایی‌های مردم (به دلیل تورم و بی‌ثباتی) به خطر می‌افتد، اعتماد به ساختارهای قانونی سست شده و «قوه قاهره» (قوای اجرایی و نظارتی) در مواجهه با بحران‌ها دچار ناکارآمدی می‌شود. درمان این وضعیت، بازگرداندن «امید به تولید» و «توزیع عادلانه ثروت» در کف جامعه است.

راهکار: مدل «تعاونی‌های توسعه استانی»

به جای تمرکز سرمایه در چند قطب خاص، باید از مدل شرکت‌های تعاونی تخصصی استانی استفاده کرد.

۱. ساختار پیشنهادی شرکت (چه شرکتی بزنیم؟)

بهترین مدل، تشکیل «شرکت تعاونی تخصصی سرمایه‌گذاری استانی» است.
- چرا تعاونی؟ چون تعاونی‌ها بر اساس «همکاری» و «توزیع عادلانه سود» هستند، نه لزوماً بر اساس قدرت سرمایه. این امر